

Regional Geopolitical Rivalries in the Middle East: Implications for Europe

Ghodratollah Behboudi nejad*

Assistant Professor of International Relations, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Rafsanjan Branch, Rafsanjan, Iran

saeid Behboudi nejad

PhD Student in International Law, Islamic Azad University, Kish Branch, Kish, Iran

Received: 22, July, 2020

Accepted: 31, August, 2020

Abstract

The Middle East faces a fragile and turbulent decade ahead. A forceful obstacle to sustainable peace and development in the region has been the heated rivalry unfolding between Iran and those countries opposed to it led by Saudi Arabia, the United Arab Emirates and Israel, and strongly supported by the US. The Donald Trump administration's aggressive stance on Iran is likely to fuel the regional tensions. The question is, "What are the consequences of the geopolitical rivalry between Iran and Saudi Arabia in the European countries and how can the European Union play a role in the process of stability and security in the Middle East?" Its a hypothesis, European actors need to delicately navigate the region's geopolitical tensions and use the limited leverage they have to push against the current trend towards greater instability and perhaps a wider interregional and global conflict. The findings of this research have shown that if Europe does not act decisively on the issues of the Middle East and Iran's nuclear agreement and does not resist American unilateralism, Europe will face problems in the Middle East, including the refugee crisis and security problems. This research is a descriptive-analytical and Futurology research method.

Key words: Europe, Middle East, Iran, Saudi Arabia, US, shatterlelt.

* **Corresponding Author:** mohsenjnu@gmail.com

رقابت‌های منطقه‌ای ژئوپلیتیک در خاورمیانه: پیامدهای آن برای اروپا

قدرت‌اله بهبودی نژاد*

استادیار روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران

سعید بهبودی نژاد

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کیش، کیش، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰

چکیده

خاورمیانه با یک دوران آشفته و بی‌ثبات روبرو است. یک مانع جدی برای صلح و توسعه پایدار در منطقه، رقابت شدید بین ایران و کشورهای مخالف آن شامل: امارات متحده عربی و اسرائیل به رهبری عربستان سعودی می‌باشد که به شدت توسط ایالات متحده حمایت می‌شوند و موضع تهاجمی دولت دونالد ترامپ در مورد ایران باعث افزایش تنش‌های منطقه‌ای شده است. پرسش این است که «پیامدهای رقابت ژئوپلیتیک ایران و عربستان بر کشورهای اروپایی چیست و اینکه اتحادیه اروپا چگونه می‌تواند در فرآیند ثبات و امنیت خاورمیانه نقش آفرینی کند؟». فرضیه آن است که بازیگران اروپایی باید با دقت تنش‌های ژئوپلیتیکی منطقه را مورد بررسی قرار دهند و از اهرم محدودی که دارند بر علیه روند فعلی که ممکن است منجر به بی‌ثباتی بیشتر و درگیری گسترده‌تر بین منطقه‌ای و شاید جهانی شود، استفاده کنند. یافته‌های این پژوهش نشان داده است اگر اروپا در قبال مسائل خاورمیانه و بخصوص برجام نخواهد با قاطعیت عمل کند و در برابر یکجانبه‌گری آمریکا مقاومت نشان ندهد، با معضلات خاورمیانه از جمله بحران پناهندگان و مشکلات امنیتی روبرو خواهد بود. این پژوهش به روش تبیینی-تحلیلی و مبتنی بر آینده پژوهی می‌باشد.

واژگان کلیدی: اروپا، خاورمیانه، ایران، عربستان سعودی، شاترلنت، رقابت استراتژیک.



DOI: 10.22080/jpir.2020.2954

* نویسنده مسئول: mohsenjnu@gmail.com

صفحات: ۲۷-۷

مقدمه

ژئوپلیتیک خاورمیانه پویا و پیچیده است. در طول دو دهه گذشته، این منطقه دستخوش درگیری‌های نظامی شده است. اقتصادهای ورشکسته و ساختارهای دولتی ناکام، حاکمیت‌های ضعیف، انقلابها و خیزشهای مدنی، بلایای طبیعی و ساخته دست انسان، افزایش گروه‌های افراطی، تهدیدهای مربوط به گسترش هسته‌ای، استفاده از سلاح‌های شیمیایی و مهاجرت گسترده مردم از بحران‌هایی است که این منطقه با آن روبرو می‌باشد. بحران سوریه و متعاقب آن افزایش تروریسم و جریان پناهندگان، پیامدهای جدی برای اروپا داشته است بنابراین این موضوعات نشان می‌دهد که نامنی در خاورمیانه مستقیماً با ثبات داخلی اروپا در ارتباط است. مسیر پیش رو چندان روشن به نظر نمی‌رسد. یمن و سوریه همچنان مشغول درگیری‌های نظامی هستند و نیاز به کمک‌های عظیم بشردوستانه و تلاش برای تثبیت و بازسازی دارند و این تقاضای آنها پس از پایان خشونت‌ها حتی بیشتر ادامه خواهند داشت. عراق و لبنان با تنش‌های گسترده سیاسی و مشکلات شدید اقتصادی روبرو هستند و می‌توانند در نتیجه ناآرامی‌های داخلی، شورش‌های تروریستی، تأثیرات ناشی از درگیری در سوریه و افزایش تنش‌های بین‌المللی در خاورمیانه، دوباره خشونت در این کشورها از سر گرفته شود.

سایر کشورها از جمله عربستان سعودی و اسرائیل با مشکلات داخلی روبرو هستند و در یک محیط ژئوپلیتیک خطرناک قرار گرفته‌اند که در آن هر کدام از آنها اهداف توسعه طلبانه حداکثری خود در زمینه سیاست و قدرت نرم و سخت را دنبال می‌کنند. به نظر می‌رسد قدرت‌های منطقه‌ای اشتیاق چندانی برای شرکت در جنگ مستقیم میان خود ندارند و بیشتر به حمایت از گروه‌های نیابتی و شخصیت‌های صاحب نفوذ در این کشورها روی آورده‌اند. با این حال این رویکرد سیاست خارجی آنها چندان موفقیت‌آمیز نبوده و بیشتر به ضرر مردمان ساکن این کشورها از جمله در سوریه، یمن و لبنان بوده است. این سیاست‌ها شرایطی را ایجاد کرده که حتی به مناقشات درون دولت‌ها نیز منجر شده است. با افزایش مشاجرات بین دولت‌ها، روز به روز خطر تشدید برخوردهای نظامی نیز افزایش می‌یابد. در همین حال، ترکیه، گرچه از نظر جغرافیایی در خاورمیانه نیست، به طور فزاینده‌ای از طریق مرزهای مشترک خود با عراق و سوریه نقش یک قدرت منطقه‌ای را ایفا می‌کند. بنابراین به پیچیدگی‌های مخمضه‌آمیز خاورمیانه می‌افزاید. در حالی که قدرتهای جهانی مانند روسیه و ایالات متحده در خاورمیانه فعال هستند، بازیگران منطقه‌ای نیز در حال اجرای سیاست خارجی خود هستند. مسکو و واشنگتن یا قادر نیستند و یا مایل نیستند که متحدین منطقه‌ای خود را از دنبال کردن جنگ‌های بزرگ منع کنند. بازیگران اروپایی به طور فزاینده‌ای از

رویدادهای خاورمیانه دور افتاده اند و یا در مسیرهای مهم سیاسی به ویژه در پرونده سوریه به حاشیه رانده شده اند.

با وجود این، هنوز زمینه های خاصی مانند ایران وجود دارد که در آن تأثیر قابل توجهی از اروپا به جهت رابطه با ایران و سهم آن در محاسبات تأثیرگذار منطقه ای دیده می شود و یا مانند لبنان، که مداخله به موقع دولت های اروپایی در مسایل آن کشور در حفظ امنیت در خاورمیانه نقش داشته است. با توجه به مطالب مذکور سوالی که مطرح می شود این است که رقابت های ژئوپلیتیک در خاورمیانه چه پیامدهایی برای اروپا برجا می گذارد و اینکه اتحادیه اروپا چگونه می تواند در فرآیند ثبات و امنیت خاورمیانه نقش آفرینی کند؟ در پاسخ به آن این فرضیه مطرح شده است که رقابت ژئوپلیتیک در خاورمیانه و دخالت قدرت های فرامنطقه ای در آن پیامدهای جدی برامنیت و ثبات کشورهای اروپایی مانند موج گسترده پناهندگان خواهد شد و اوضاع منطقه خاورمیانه نیز با آینده نا روشنی مواجه خواهد بود.

چارچوب نظری: ژئوپلیتیک (شاتربلت)

اهمیت نظریه های ژئوپلیتیک در سیاست بین الملل قابل انکار نیست. محققان روابط بین الملل به خوبی از اهمیت تئوری های ژئوپلیتیک هارتلند- ریملند آگاه هستند و برای کسب قدرت برترجهانی، کسب برتری در خشکی و همچنین تسلط بر دریاهای آزاد جهان (ریملند) را تأکید دارند (Geoffrey & Harkavy, 2001). در یک الگو سازی مشابه، سائول کوهن از اصطلاح (شاتربلت)^۱ استفاده کرد. معنی لغوی این واژه عبارت می باشد از سرزمین در حال تجزیه و تبدیل آن به قطعه های کوچکتر. در تعریف کلی تر آن گفته شده است که بعضی از مناطق جغرافیایی که ذاتاً بیشتر از مناطق دیگر مستعد درگیری هستند به آنها "شاتربلتز" گفته می شود (Hensel & Diehl, 1994: 35). این مفهوم در نوشته های ژئوپلیتیک قرن بیستم اختراع شد. اصطلاح "شاتربلت" به یک منطقه جغرافیایی که از آنجا آشفتگی محلی به رقابت جدی میان کشورهای بزرگتر تسری می یابد، اطلاق می شود. در تعریفی دیگر یک منطقه جغرافیایی که به دلیل خلأ قدرت در حال قطعه قطعه شدن است و قدرت های بزرگ بر سر کنترل آن با جدیت به رقابت می پردازند. قدرتهای بزرگ برای اینکه منافع زیادی در این مناطق دارند، با یکدیگر رقابت می کنند. در نتیجه پتانسیل بالایی برای تشدید درگیری و تبدیل آن به یک جنگ تمام عیار وجود دارد. مناطق شاتربلتز عامل

¹.shatterbelt

درگیری‌های قدرت‌های بزرگ هستند. شاتربلتز به دلایل مختلف مورد توجه جغرافیدانان سیاسی است زیرا که بخش اعظم جنگ‌های بین‌المللی ظاهراً از این مناطق سرچشمه می‌گیرند. در قرن بیستم، جنگ‌های جهانی اول و دوم، درگیری‌های کره ای و ویتنام و همچنین خونریزی معاصر در آمریکای مرکزی، صحرای آفریقا، خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی همگی از مناطقی پدید آمده‌اند که به عنوان مناطق شاتربلتز توصیف شده‌اند (Hensel & Diehl, 1994: 46). استراتژیست‌هایی مانند ماهان (۱۹۰۰) شاتربلتز یا مناطق درحال تجزیه برخی کشورهای ضعیف خاورمیانه و آسیا را مورد مطالعه قرار دادند که به دلیل داشتن منابع غنی و گسترده، توجه قدرتهای بزرگی همچون بریتانیا و روسیه را که در رقابت استراتژیک برای گسترش سرزمینی و اقتصادی بودند به خود جلب کرده بود.

بی‌ثباتی در فاصله بین جنگ جهانی اول و وقوع جنگ جهانی دوم، علاقه‌تئورسین‌های ژئوپلیتیکی را برای شناسایی آنچه که یک منطقه را بی‌ثبات تر و در معرض درگیری قرار می‌دهد، دوباره به خود جلب کرد. در پژوهش‌های بعدی، اصطلاح مناطق شاتربلتز یک بار دیگر توسط وسترن‌س مطرح شد. بررسی درگیری‌ها در مناطق شاتربلتز نشان می‌دهد که کشورهایی از این قبیل، به دلیل چند پارگی در درون خود، شکاف قومی، مذهبی یا زبانی درگیر جنگ‌های داخلی با خود شدند و سپس با طولانی شدن دامنه این جنگ‌ها قدرت‌های خارجی نیز با دخالت خود در این مناطق آتش جنگ و اختلاف را شعله‌ورتر کرده‌اند (Hensel & Diehl, 1994, p51). نوشتارهای اولیه در مناطق شاتربلتز متمرکز بر اروپای مرکزی و شرقی بود اما کوهن مفهوم شاتربلتز را در الگوی منطقه‌ای خود از جهان گنجانده و سه منطقه خاورمیانه، صحرای آفریقا و آسیای جنوب شرقی را به عنوان "مناطق شاتربلتز" نامگذاری کرد و همچنین این سه حوزه را "مناطق بزرگ استراتژیک" نامید که توسط تعدادی از قدرت‌ها با منافع متضاد گرفتار شده بودند (Cohen, 2003: 238). اختلافات داخلی، زیست‌محیطی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی بین دولت‌ها و توزیع نابرابر جمعیت در مناطق "شاتربلتز" باعث مشاجرات می‌شود و به این ترتیب شانس هماهنگی سیاسی یا اقتصادی بین آنها کاهش می‌یابد. کوهن تشخیص داد که مناطق شاتربلتز دارای برخی از شاخص‌های اهمیت استراتژیک مانند ثروت معدنی یا کنترل خطوط حمل و نقل می‌باشند بنابراین مشخصه‌ها از عوامل اصلی رقابت قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای برای نفوذ هر چه بیشتر آنها در این مناطق را به وجود می‌آورد (Cohen, 2003: 241).

خاورمیانه به عنوان یک منطقه شاتربلتز با اختلافات عمیق در بین کشورهای این منطقه از یک سو و از سوی دیگر شکاف بین دولت‌های حاکم این کشورها با ملت‌های خود روبرو می‌باشد که در عین حال با رقابت قدرت‌های خارجی ملت‌ها می‌شود (Cohen, 2009: 355). خاورمیانه وطن

بسیاری از اقلیت‌های قومی و مذهبی، مسلمانان اعم از سنی و شیعه، مسیحیان و یهودیان. عرب، ترک، کردها و دروزی، علویان و مارونیت‌ها؛ سیاه‌پوستان نیلوتیکو... می‌باشد. درگیری‌های مذهبی، قومی و نژادی با منابع کمیاب زمین‌های زراعی و آب و همچنین ادعاهای متناقض بر سر منابع نفت و گاز باعث تشدید درگیری‌ها می‌شود. اختلافات داخلی عمیق در خاورمیانه توسط سیاستهای قدرتهای بزرگ برای دستیابی به اهدافشان تقویت می‌شود؛ قدرتهای اصلی به دلیل موقعیت استراتژیک و منابع عظیم منطقه، نه تنها رقابت ژئوپلیتیکی بین کشورهای منطقه را افزایش می‌دهند بلکه در تشدید تنش‌های فرقه‌ای نیز نقش دارند و برای به دست آوردن قدرت بیشتر در مقابل کشورهای رقیب در رقابت مستقیم با هم هستند.

در دوران اخیر، پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ بحران در منطقه خاورمیانه هنگامی ظهور کرد که ایالات متحده به همراه شیخ‌نشین‌های عرب سنی، ایران را تهدید فزاینده‌ای برای منافع خود در منطقه قلمداد کردند و با دامن زدن به ایران هراسی به بحران‌سازی در منطقه پرداخته‌اند. در این زمینه، قابل توجه‌ترین ویژگی آن سیاست ایالات متحده در باره ایران می‌باشد. موضوع برجسته کردن انقلاب اسلامی در ایران و متعاقباً جنگ ایران و عراق و حمایت آمریکا از این کشور فرصتی را برای آمریکا و دیگر قدرت‌ها فراهم کرد تا با بهره‌برداری از ترس کشورهای منطقه از ایران، در امور کشورهای خاورمیانه فعالانه حضور یابند. این حضور کشورهای خارج از منطقه بسیار بی‌ثبات‌کننده است و به یک ویژگی دائمی بحران‌ساز در منطقه تبدیل شده است.

تعاملات اروپا و خاورمیانه

سیاست اروپا در خاورمیانه اساساً تحت تأثیر سه عامل قرابت جغرافیایی، امنیت انرژی و حافظه تاریخی می‌باشد. از همین رو این اتحادیه به موضوعات دیگر موجود در منطقه خاورمیانه همچون تروریسم، رقابت تسلیحاتی، فرآیند صلح اعراب و اسرائیل و... در چارچوب عوامل یادشده که تأثیر متقابل بر یکدیگر می‌گذارند، می‌نگرد. به واسطه سابقه تاریخی کدوری که در ذهن مردم خاورمیانه نسبت به عملکرد گذشته برخی از کشورهای اروپایی در این منطقه نقش بسته است، آنان سعی کرده‌اند به منظور پاک کردن این تصویر ذهنی، سیاست و خط مشی مستقلی را در ارتباط با خاورمیانه دنبال کنند. طبیعی است که عدم مشارکت فعالانه اروپا در کنار ناتوانی استراتژیک آمریکا می‌تواند هزینه‌های امنیتی و سیاسی جدی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به بار آورد (واعظی، ۱۳۸۵: ۱۷۴). ثبات در خاورمیانه نه تنها تقویت‌کننده ضریب امنیت در اروپا بوده و از بسیاری از

مهاجرت‌های غیر قانونی و سیل آوارگان به این سرزمین جلوگیری خواهد کرد بلکه تضمین‌کننده فرآیند انتقال انرژی در بازارهای مصرف اروپایی و توسعه مناسبات اقتصادی اروپا با دول منطقه می باشد. برای این منظور لازم است که بازیگران اروپایی سیاست‌هایی را دنبال کنند که به کاهش قطب بندی‌های سیاسی، خشونت و از بین بردن خطر رویارویی نظامی در منطقه کمک می کند. اولویت این اقدامات عبارتند از:

۱. درک موقعیت بازیگران منطقه‌ای

در پنج سال گذشته، روابط بین اروپا و بازیگران اصلی خاورمیانه تغییر قابل توجهی داشته است. این تغییر در درجه اول نتیجه سیاست خارجی بازیگران منطقه‌ای است که به طور فزاینده‌ای احساس اطمینان می کنند که می توانند به تنهایی عمل کنند. ایران، عربستان سعودی، اسرائیل و ترکیه درگیر مجموعه پیچیده‌ای از تحولات در خاورمیانه هستند و هرکدام از آنها با اتخاذ سیاستی پنهانی و سخت افزاری به دنبال آنچه که به گمان خودشان به عنوان منافع استراتژیک خود در منطقه می دانند، هستند. یک نقطه اشتراک مهم این بازیگران منطقه‌ای بر روی موضوع ایران است.

۱-۱. تنش‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای متمرکز بر ایران-۱.

مانند اکثر دولت‌ها، بازیگران منطقه‌ای اقدامات خود را در خاورمیانه به عنوان یک پاسخ ضروری و مؤثر برای دفاع از خود در برابر تهدیدهای مهم امنیتی توجیه می کنند. برای ایران نیز یک تهدید فوری و فعال از سوی گروه‌های تروریستی در نزدیکی مرزهای این کشور با همسایگانش از قبیل افغانستان، عراق و پاکستان که مدت‌ها با مشکل تأمین امنیت خود دست و پنجه نرم می کنند، وجود دارد (Reuters, 2018). به طور گسترده‌تر در خاورمیانه، ایران تهدیدهای امنیتی علیه خود را عمدتاً از طریق اقدامات خصمانه ایالات متحده و اسرائیل، قدرتمندترین دشمنان این کشور که تجهیزات نظامی متعارف آنها نسبت به ایران برتر است، ارزیابی می کند.

برای رفع این عدم تعادل، ایران به دنبال توسعه برنامه موشکی خود در درجه اول برای جلوگیری و سپس برای به حداقل رساندن تأثیرات احتمالی ناشی از این گونه تهدیدات است (Elleman & Fitzpatrick, 2018). ایران همچنین با استفاده از متحدان منطقه‌ای خود مانند: حزب الله در لبنان، حوثی‌ها در یمن و شبه نظامیان در سوریه و عراق تاکتیک‌های نامتقارن خود را تحکیم بخشیده است و همچنین با حضور مستقیم در مرزهای اسرائیل می تواند مانع حملات نظامی اسرائیل در داخل مرزهای ایران شود. از زمان انقلاب سال ۱۹۷۹ جمهوری اسلامی ایران از طریق پرورش شبکه‌هایی از بازیگران دولتی و غیر دولتی، نفوذ خود را در منطقه گسترش داده

است. حمله ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳ پس از یک دوره طولانی درگیری با عراق، زمینه را برای بهبود روابط ایران با دولت اکثریت شیعه در بغداد فراهم کرد. در لبنان نیز ایران توانست از قدرت نرم و پیوندهای طولانی مدت با جوامع شیعه این کشور استفاده کند و نیروهای وفادار سیاسی و شبه نظامی وابسته به خود را پرورش دهد. در سال ۲۰۱۴ عراق با از دست دادن مقدار زیادی از قلمرو خود به گروه تروریستی داعش، ایران اولین کشوری بود که به طور گسترده به دولت عراق و نیروهای کرد در مقابله با نیروهای داعش کمک کرد (Ziabari and Hashemi, 2019). بدین ترتیب ایران توانست حضور پر قدرت خود را در عراق تقویت کند (Jalabi, 2017).

در سوریه، ایران در طول ده سال درگیری در کنار متحد دیرینه خود- بشار اسد- ایستاده است و با وجود هزینه های سنگین در داخل و خارج از کشور، پشتوانه اقتصادی، نظامی و سیاسی برای وی فراهم کرده است.

در طول یک دهه گذشته، حضور گسترده زمینی در عراق، سوریه و لبنان اهرم قابل توجهی را در اختیار ایران برای توازن آینده قدرت در خاورمیانه فراهم کرده است. نفوذ فزاینده تهران به شدت با مخالفت رقبایش روبرو شده و باعث نگرانی دولت های اروپایی می شود که شرکای بلند مدت رقبای منطقه ای ایران مانند عربستان سعودی و اسرائیل هستند.

به طور سنتی، ایران عربستان سعودی را به عنوان یک تهدید امنیتی قریب الوقوع ندیده است بلکه به عنوان نیرویی است که سیاست های خارجی ایالات متحده را در منطقه اجرا می کند. در سالهای اخیر این محاسبه به دلیل تبلیغات گسترده رسانه ای و سیاسی عربستان سعودی علیه ایران و حمایت آن کشور از گروه های مخالف که علیه نیروهای تحت حمایت ایران در سوریه و همچنین حمایت سعودی از فشار بین المللی علیه حزب الله تا حدود زیادی تغییر کرده است. از سال ۲۰۱۵ روابط ایران و عربستان سعودی به شدت بدتر شده است. محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، به ویژه در انتقاد از ایران اظهارات صریحی داشته و ایران را تهدیدی علیه موجودیت پادشاهی این کشور معرفی کرده است (Hubbard, 2018). یمن که با عربستان سعودی مرز مشترک دارد و از سال ۲۰۱۱ مشغول درگیری و جنگ داخلی شده است، فرصتی را برای ایران فراهم کرد تا هم عربستان سعودی و هم امارات را از درگیری در سوریه دور کند. از مارس ۲۰۱۵ ائتلاف به رهبری عربستان سعودی درگیر جنگ پرهزینه ای در یمن شده است. مقامات غربی تا حد زیادی بر این باورند که حمایت ایران از انقلابیون یمنی باعث ایجاد عدم توفیق نظامی عربستان در یمن شده است (UN security council reports, 2018).

بنا به گفته کارشناسان روابط بین‌الملل، ایران تبخیر پیدا کرده است که از فرصت‌هایی که توسط اشتباهات یا مصائب دیگران به وجود می‌آید، استفاده بهینه کند؛ به عنوان مثال تهران سریعاً در پی تلاش برای کودتای علیه رجب طیب اردوغان - رییس‌جمهور ترکیه - در سال ۲۰۱۶ فوری به کمک وی شتافت و با پشتیبانی و مشاوره به وی کودتاچیان را ناکام گذاشت (Reuters, 2016). افزایش اصطکاک بین آمریکا و ترکیه در پی کودتا، از جمله تحریم‌های آمریکا علیه آنکارا، فضای بیشتری را برای همکاری ایران و ترکیه در زمینه امنیت منطقه‌ای و سیاست‌های اقتصادی ایجاد کرده است.

آنکارا به دلیل تهدیدهای امنیتی فوری اولویت خود در سوریه را از تضعیف اسد به سمت گروه‌های کرد تغییر داده است که خواسته‌هایشان برای استقلال در مناطق مرزی، نگرانی اصلی ترکیه می‌باشد. این مسئله فضای معامله بیشتری را برای ایران و ترکیه ایجاد کرده است تا اختلافات خود را در سوریه در قالب ائتلاف سه‌جانبه با روسیه برطرف کنند. در حالی که ترکیه به دنبال حفظ روابط محکم با ایران و عربستان سعودی بود، نرم شدن روابط آنکارا با ایران ضربه قابل توجهی به تلاش‌های عربستان سعودی برای تشکیل جبهه سنی متحد علیه ایران وارد کرد. عربستان سعودی همچنین در تشکیل "اتحاد نظامی اسلامی" یا جبهه متحد بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برای مخالفت با ایران ناموفق بوده است. پس از تحریم‌های سعودی علیه قطر در سال ۲۰۱۷ ایران با سرعت و موفقیت حرکت کرد تا روابط اقتصادی و سیاسی خود را با دوحه تقویت کند (walesh, 2017). تهران همچنین موفق شده است تا همچنان روابط گرم خود را با عمان حفظ نماید و همچنین تلاش کرده است تا چالش‌های موجود در روابط خود با کویت را از بین ببرد (vakil, 2017).

علیرغم دستاوردهای ایران در منطقه، تهران نیز با محدودیت‌های قابل توجهی روبرو است. هم در سوریه و هم در عراق و حتی در افغانستان، نیروهای سیاسی این کشورها که قبلاً روابط گرمی با تهران داشتند، گاهی از جهت مسایل امنیتی و حفظ پرستیژ و نفوذ در بین طرفداران خودشان، برای کاهش این ذهنیت مبنی بر اینکه آنها دست‌نشانده‌های تهران هستند، مجبور شده‌اند از ایران فاصله بگیرند. در گذشته عراق، حیدر العبادی، نخست‌وزیر و رهبر مخالفان مقتدا صدر، روابط خود را با ایران کاهش دادند و با سفر به عربستان سعودی سعی داشتند از آن به عنوان ابزاری برای استقلال خود از جمهوری اسلامی ایران استفاده نمایند (Maksad & Pollack, 2017).

اسرائیل به دنبال این بوده است که حضور ایران در سوریه را از طریق چندین حمله نظامی در داخل سوریه به تسلیحات نظامی و نیروهای شبه‌نظامی وابسته به ایران محدود کند (Morris,

2018). اسرائیل فارغ از از محدودیت های اعمال شده دولت آمریکا علیه آن، مداخلات نظامی خود در سوریه را برای هدف قرار دادن ایران و حزب الله افزایش داده است. در سال ۲۰۱۸ تعداد حوادث زیادی بین اسرائیل و نیروهای تحت حمایت ایران رخ داده است که می توانست به یک درگیری گسترده تر تبدیل شود. روسیه، که شریک نظامی ایران در سوریه است، قدم برداشته و سعی در کاهش تنش ها داشت. با وجود این، روسیه نیز چشم خود را بر روی این حوادث بست اگرچه در گذشته نیز مایل نبود از نیروهای ایرانی در مقابل حملات مخالفان در حلب محافظت کند (karami, 2016).

نخست وزیر اسرائیل - بنیامین نتانیاهو - به وضوح هم واشنگتن و هم مسکو را قانع کرد که در نهایت اسرائیل به دنبال از بین بردن حضور همه جانبه ایران در سوریه است و در همین راستا اشتیاق کمی برای متوقف کردن حملات نظامی در طول دو سال و نیم نشان داده است. با این حال به نظر نمی رسد که مسکو و دمشق حاضر به حمایت از این رویکرد باشند و هیچ نشانه ای مبنی بر اینکه این حملات اسرائیل از پشتوانه نظامی آمریکا برخوردار باشد، وجود ندارد زیرا برای از بین بردن کامل حضور ایران در سوریه نیاز به یک حمله گسترده نظامی دارد که بدون حمایت آمریکا چنین امری به تنهایی از عهده اسرائیل بر نمی آید. شاید بزرگترین فشار پیش روی جبهه طلبی های تهران این باشد که نقش منطقه ای آن کمک کرده است تا اسباب همکاری و نزدیکی بین اسرائیل از یک سو و عربستان سعودی و امارات از دیگر سو را بعد از سالها فراهم سازد که این امر در مجموع خدمتی ناخواسته برای اجرای اهداف ترامپ فراهم نمود (Entous, 2018). علیرغم تنش های چشمگیر بر سر مسئله فلسطین، دشمنی مشترک با ایران شرایط را برای همسویی جدید این دو (کشورهای عربی و اسرائیل) در خاورمیانه ایجاد کرده است (Yaalon, 2018 & Friedman).

در زمان دولت اوباما، یکی از نگرانی های اصلی جبهه ضدایرانی این بود که با دستیابی به توافق هسته ای، سردی روابط بین ایران و ایالات متحده به تدریج به سوی گرم شدن برود. ادغام اقتصادی احتمالی ایران با غرب، همانطور که در ابتدا با رفع تحریم ها تحت توافق هسته ای پیش بینی شده بود، یک تهدید بلند مدت برای جبهه ضدایرانی به وجود آورد. رشد اقتصادی بالقوه ایران با جمعیت ۸۰ میلیون نفری تحصیل کرده، نوید رقابت برای امثال عربستان و امارات را می دهد که با چالش های اقتصادی در داخل کشور خود دست و پنجه نرم می کنند. با کمال تعجب جبهه ضدایرانی تلاشهای خود را برای جلوگیری از دستیابی ایران به مزایای اقتصادی پیش بینی شده توسط برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که در سال ۲۰۱۵ بین ایران و گروهی از شش کشور (انگلیس، چین،

فرانسه، آلمان، روسیه و ایالات متحده) به علاوه اتحادیه اروپا امضا شده بود، متمرکز کرده است. جبهه ضدایرانی با دلگرمی به پشتوانه تصمیم ترامپ مبنی بر خروج از توافقنامه هسته ای و بازگرداندن دوباره تحریم‌های گسترده که به موجب توافقنامه برجام به حالت تعلیق درآمده بود، توانست اقدامات خود را به پیش ببرد. این شامل تحریم‌های ثانویه ایالات متحده با هدف کاهش قابل توجه صادرات جهانی نفت ایران است که درآمدهای ایران به شدت به آن وابسته است.

اسرائیل و عربستان سعودی اروپا را تحت فشار قرار داده اند تا تحریم‌های اقتصادی مشابه را علیه ایران وضع کند و همچنین از تلاش ایالات متحده برای کاهش چشمگیر صادرات نفت ایران در سطح جهان حمایت لازم به عمل بیاورد. به موازات آن، آنها سعی کرده اند که هزینه‌های مالی رفتار منطقه ای ایران را مورد توجه قرار دهند و با استناد به شورش‌های پراکنده داخلی بر روی آن تبلیغ کنند که ایران در عوض خرج منابع مالی خود در داخل کشور آن را در راستای اهداف توسعه طلبانه خود در منطقه صرف می‌کند (Fitch, 2018). جبهه ضدایرانی که اکنون می‌توان آنها را در ردیف گروه جنگ طلب موسوم به بازها در دولت ترامپ به حساب آورد، به ظاهر طرفدار تغییر رژیم در تهران است (Jeremy Bob, 2018). اینکه جبهه ضدایرانی با محدودیتهای چشمگیر سیاسی، استراتژیکی و نظامی که روبرو است تا چه حد می‌تواند مانع دستاوردهای مورد نظر ایران در منطقه شود، هنوز معلوم نیست. با وجود این، آنها با استفاده از وضعیت تهاجمی دولت ترامپ در قبال ایران و تشکیل یک جبهه همکاری عربی و اسرائیلی برای مقابله با ایران اقدامات خود را به پیش می‌برند (Bayoumy, 2018).

- نقش بازیگران خارجی ۱.۲

حتی اگر قدرت اقتصادی چین و اروپا در خاورمیانه تأثیر داشته باشند، باز هم روسیه و ایالات متحده در منطقه ای که قدرت سخت بر آن حاکم است، همچنان برترین بازیگران خارجی تأثیر گذار باقی می‌مانند. روسیه با مداخله نظامی خود در سوریه خود را به عنوان یک قدرت خارجی معتبر در منطقه جای داده است. یکی از اهداف اصلی مسکو در سوریه جلوگیری از سرنگونی رژیم بشار اسد توسط آمریکا بود. خاورمیانه بخشی از چشم انداز بزرگتر کرملین در مورد نظم بین‌المللی چند قطبی و مخالفت آن با سیاست‌های تغییر رژیم تحت هدایت غرب است. موفقیت روسیه در خاورمیانه تا حدودی به دلیل توانایی بازیگری این کشور در تعامل و همکاری آن با همه بازیگران منطقه است.

این رویکرد عملی باعث شده است که روسیه بتواند به عنوان یک دلال سیاسی بین ایران، اسرائیل و ترکیه نقش بازی کند و با استفاده از دیپلماسی خود برخی تنش‌های خطرناک را که می

تواند به تقابل نظامی بکشد، حل و فصل کند. مسکو و تهران در سطح نظامی، امنیتی و سیاسی در سوریه رابطه استراتژیک برقرار کرده اند. اگرچه این اتحادها یا مشارکت‌ها عمق چندانی ندارند و بعضاً شکننده هستند ولی با این حال روابط نظامی ایران و روسیه در مقایسه با روابط متقابل آنها با سایر بازیگران منطقه‌ای به وضوح پیشرفته‌تر است. در حالی که روسیه اعتماد به نفس خود را برای ورود به مناقشه سوریه نشان داده است، اما این که منابع و ظرفیت‌های لازم را برای پایان دادن به جنگ داخلی و تقویت ثبات در این کشور داشته باشد، همچنان نامشخص است.

در همین حال دولت ترامپ با تصمیم خود برای خروج از برجام، کانال‌های محدودی را که برای گفتگو با ایران پس از توافق هسته‌ای گشوده شده بود، به طور قطعی بسته است. گذشته از خروج از برجام، اقدامات دیگر رئیس‌جمهور ترامپ نیز شوک‌های سیاسی دیگری را در سراسر خاورمیانه ایجاد کرده و باعث تشدید آن شده است. به عنوان مثال، موضع اولیه‌ی وی در حمایت از محاصره و تحریم قطر منجر به دودستگی روابط در درون شورای همکاری خلیج فارس شد که تا امروز ادامه دارد. تصمیم ترامپ مبنی بر انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به اورشلیم در ماه مه ۲۰۱۸ عملی تحریک‌آمیز بود که به ناامیدی و خشم بیشتر فلسطینی‌ها منجر شد. همچنین معامله قرن او که به تجدید خشونت در نوار غزه کمک کرد و توجه بین‌المللی و منطقه‌ای به مناقشه رادوباره احیا کرد و باعث درد سرهای غیرضروری برای واشنگتن و متحدان عرب آن در عمان، قاهره و ریاض شد (Nidal & Heller, 2018). و یا شهادت سردار سلیمانی و توافق صلح با طالبان را می‌توان بر شمرد.

۲. مسیر پیش رو

چندان روشن نیست که تنش‌ها بین بازیگران منطقه در آینده نزدیک کاهش می‌یابد. با پیش‌بینی مسیر پیش‌روی خاورمیانه، اولویت جبهه ضدایرانی و دولت آمریکا تضعیف ایران از طریق انزوا و تحریم‌های بین‌المللی است. در حالی که به نظر می‌رسد پرزیدنت ترامپ از افزایش بیشتر حضور ارتش آمریکا در خاورمیانه ابراز نارضایتی می‌کند. با این حال هنوز مشخص نیست که نتایج این سیاست مقابله‌ای با ایران برای منطقه چیست، به ویژه در عراق، سوریه و لبنان که ایران و ایالات متحده منافع مشترک قابل توجهی دارند.

به نظر می‌رسد که در لبنان، شوک سیاسی به دنبال استعفای اجباری نخست‌وزیر - سعد حریری - پس از مداخله فرانسه و انگلیس اوضاع تا حدودی آرام شد (Ignatius, 2018). در حال حاضر وضعیت شکننده لبنان ادامه دارد اما در صورت وقوع یک حادثه مشابه دیگر، می‌تواند به سمت فروپاشی برود. لبنان در برابر بی‌ثباتی‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی بیشتر آسیب پذیر است زیرا در حال حاضر با یک جریان بزرگ پناهندگان از سوریه روبرو می‌باشد. علاوه بر این، این کشور همچنان در دامان تنش میان اسرائیل و حزب الله گرفتار شده است. مقامات دولت اسرائیل هشدار داده‌اند که در صورت جنگ با حزب الله، آنها کل لبنان را به عنوان یک هدف مشروع در نظر خواهند گرفت. عراق که با ایران، عربستان سعودی و ترکیه هم‌مرز است، در معرض رقابت‌های منطقه‌ای این سه کشور از یک سو و از سوی دیگر تحت تأثیر درگیری‌ها در کشور همسایه اش سوریه قرار دارد. سیاست ایالات متحده در قبال ایران علیرغم هشدارهای مکرر دولت عراق مبنی بر بی‌طرفی عراق در تنش‌های آمریکا و ایران، همچنان عواقب ناخواسته‌ای برای عراق در برداشته است (Chmaytelli, 2018). با این حال تحریم‌های اخیر ایالات متحده علیه ایران فشار اقتصادی را نیز بر عراق وارد کرده و اصطکاک سیاسی را بین بغداد و تهران به وجود آورده است که می‌تواند برای حفظ بی‌طرفی عراق مضر باشد (Ghobashy & Salim, 2018). علاوه بر این، گزارش‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه ایران انتقال موشک‌های بالستیک به عراق را افزایش داده است و این خود یک سیگنال احتمالی به ایالات متحده است مبنی بر اینکه ایران توانایی خود در هدف قرار دادن نیروهای آمریکایی در منطقه را تقویت می‌کند.

در سوریه، تنش‌های کنونی برای برخوردهای نظامی بیشتر بین اسرائیل و ایران همچنان پایدار است. به دنبال گفتگوهای روسیه با اسرائیل و گفتگوی پوتین و ترامپ که ظاهراً به همگرایی مهمی در مورد سوریه دست پیدا کردند، اوضاع کمی بهبود یافته است. در طی تابستان، سیاست‌های ایالات متحده در سوریه به اهداف روسیه نزدیکتر شد و نیروهای اسد با عقب‌نشینی از ادلب و قبل‌تر از آن نیروهای تحت حمایت ایران از مرزهای سوریه با اردن و اسرائیل عقب‌نشستند (Khraiche, 2018).

سؤالات اساسی در مورد اینکه دولت آمریکا برای ایجاد اجماع وسیع‌تر با روسیه در مورد سوریه و میزان تمایل مسکو یا حتی فشار آوردن به دمشق و تهران برای اجرای یک توافقنامه با آمریکا و روسیه، تأثیر داشته یا دارد، هنوز جای سوال باقی مانده است. دو متحد ناتو، ترکیه و ایالات متحده، نیز با نقش نیروهای کرد در سوریه با یکدیگر اختلاف نظر دارند و هیچ تلاش معنی‌داری از سوی طرفین برای حل این بحران صورت نگرفته است. با این همه نگرانی، باتلاق سوریه می‌تواند به دلیل

سوء رفتارها یا اقدامات بیش از حد توسط اسرائیل، ایران یا احتمالاً ترکیه و ایالات متحده وارد مارپیچ جدید درگیری دیگری در منطقه شود.

رقابت منطقه‌ای بین ایران و عربستان سعودی نیز بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بی ثباتی ایجاد کرده است. برای کشورهای کوچکتر شورای همکاری مانند عمان و کویت، حفظ موقعیت نسبتاً متعادل آنها اکنون دشوارتر شده است. چنین موضعی در ارائه کانالهای حل اختلاف درگیری بین ایران و دشمنان آن، از جمله نقش ویژه ای که عمان در تسهیل مذاکرات کانالهای مخفی بین تهران و واشنگتن در سال ۲۰۱۳ داشته، بسیار مفید بوده است.

این امکان وجود دارد که جنگ اقتصادی تحت نظر ایالات متحده برای فشار علیه ایران سیاست تهران را در قبال منطقه سخت تر کرده و خطر بی ثباتی را بیشتر کند. تا کنون شواهد اندکی نشان می دهد که تغییر استراتژیکی کوچکی در سیاست منطقه ای ایران رخ داده است. ایران توانسته تا اکنون طوفان فعلی و به ویژه خروج ایالات متحده آمریکا از برجام را مدیریت کند زیرا که ایران تجربه چهار دهه تحریم های ایالات متحده، هشت سال جنگ با عراق و یک تحریم نفتی بین المللی را دارد و توانسته از این فشارها موفقیت آمیز خارج شود. با توجه به این موارد، بعید است که جبهه ضدایرانی بتواند تهران را تحت فشار قرار دهد تا سیاست منطقه ای خود را مجدداً مورد بازنگری قرار دهد آن هم در شرایطی که هزاران سرباز آمریکایی در عراق، سوریه و افغانستان مستقر هستند و به نظر می رسد سیاست رؤیای تغییر رژیم در ایران برای ائتلاف ضدایرانی تحت حمایت آمریکا به عنوان تنها هدف رؤیایی باقی بماند.

۳. اروپا باید چه اقداماتی انجام دهد؟

از زمان ریاست جمهوری پرزیدنت ترامپ، دولتهای اروپایی وقتی صحبت از خاورمیانه است، عمدتاً درگیر کنترل صدمات ناشی از آن هستند. دشوارترین چالش آنها نحوه محافظت از برجام است. دولتهای اروپایی همچنین سعی کرده‌اند با حمایت روند صلح اسرائیل و فلسطین، تنش‌های سیاسی منطقه را کنترل کنند و با تسهیل بازگشت حریری به لبنان، لبنان را از یک بحران بزرگ سیاسی محافظت کنند. با توجه به نقش نظامی غالب روسیه و ایالات متحده، اروپا نفوذ محدودی در بین شخصیت‌های منطقه‌ای دارد. با وجود این، همانطور که در ادامه بیان شد، اروپا از برخی اهرم های سیاسی و اقتصادی برخوردار است که ممکن است تقابل فعلی در منطقه را به سمت یک مسیر سازنده تر هدایت کند. سیاست اروپا در خاورمیانه بیشتر بر حمایت از منافع اصلی خود یعنی جلوگیری از بی ثباتی بیشتر در منطقه که تهدیدات امنیتی مستقیم برای اروپا در قالب تکثیر سلاح

های هسته‌ای و شیمیایی و تروریسم ایجاد می‌کند، همچنین چالش‌هایی مانند جریان مهاجرت جمعی و اختلال در انرژی و تجارت متمرکز است. اتحادیه اروپا و کشورهای این قاره بیشتر اقدامات مربوط به کنترل خسارت، زمینه‌های از بین بردن درگیری و اقدامات پیشگیرانه را در اولویت قرار داده‌اند، از جمله:

الف: دولتهای اروپایی باید علیرغم فشارهای ایالات متحده برای پایبند نبودن به تعهدات خود، مواضع یکپارچه خود را در حمایت از برجام حفظ کنند. در ازای تعهد مداوم ایران به این معامله، تلاش‌های خود را برای اجرای معیارهایی که حداقل برای ایران سود قابل ملموس داشته باشد، تسریع کنند. بازگشت تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا در حال حاضر موجب خروج شرکت‌های اروپایی از بازار ایران شده است (Reuters, 2018). اگر ایران ارزش اقتصادی یا امنیتی کمی را برای حفظ برجام ببیند، ممکن است شروع به از بین بردن محدودیتهای برنامه هسته‌ای خود کند یا حتی از این توافق دور شود احتمالاً با حملات نظامی آمریکا و یا اسرائیل روبرو می‌شود که پیامدهای قابل توجهی برای منافع اتحادیه اروپا و بی‌ثباتی گسترده‌تر برای منطقه به همراه خواهد داشت.

باجدا کردن سیاست خود در مورد برجام از سیاست ایالات متحده و بازنگه داشتن کانال‌های سیاسی سطح بالا با ایران، اروپا می‌تواند در حالی که مذاکرات درباره راه‌حلهای اقتصادی مناسب برای کاهش اثرات تحریم‌های اولیه و ثانویه ایالات متحده انجام می‌شود، انگیزه سیاسی برای اجرای توافق به تهران ارائه دهد. اروپا باید همچنان با کمک چین، روسیه و طرفین برجام به اقدامات عملی بپردازد که بتواند تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده را که هدف آن بخش نفت و بانکی ایران است، به حداقل برساند. طرفهای غیربرجامی مانند هند، عمان و ترکیه نیز می‌توانند نقش مهمی در ارائه مشوق‌های اقتصادی به ایران داشته باشند.

گزینه واقع‌بینانه‌تر اروپا در این مرحله ایجاد شرایط حقوقی و عملی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط است که کمتر با بازار آمریکا در ارتباط هستند و در معرض خطر جریمه از جانب این کشور برای ادامه تجارت با ایران نیستند (Batmanghelidj, 2018). با این حال این شرکت‌ها هنوز فاقد شرایط عملی برای تجارت مقرون به صرفه و ارزشمند با ایران هستند. دولت‌های اروپایی باید با قاطعیت‌تر در برابر فشارهای ایالات متحده بر بانکهای اروپایی و سرویس پیام‌رسانی مالی سوئیفت پافشاری کنند تا حداقل برخی از کانال‌های پرداخت محدود با ایران را حفظ کنند (European External Action Service, 2018). ائتلاف دولت‌های اروپایی، فراتر از آلمان، فرانسه و انگلیس باید در عملیاتی کردن چارچوب لازم شرکت کند.

ایران همچنین می‌تواند خیلی بهتر کار کند تا شرایط عمومی تجارت را برای جذب شرکت‌های اروپایی بهبود بخشد، به عنوان مثال با همکاری با دقت و انطباق و پردازش مقررات داخلی لازم برای تقویت بخش بانکی ایران در راستای نقشه راه کار مالی اقدام کند.

۲) کشورهای اروپایی باید از اقداماتی که باعث بی‌ثبات‌سازی داخلی ایران می‌شود، خودداری کنند و در عین حال تهران را متعهد کنند تا اطمینان حاصل شود که نقش منطقه‌ای آن باعث ایجاد تنش‌ها و بی‌ثباتی‌ها در خاورمیانه نخواهد شد.

دولت‌های اروپایی همچنان با فشارهای دولت آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن برای نزدیک‌تر شدن به جبهه ضد ایرانی مواجه خواهند بود. به باور آمریکا فشار اقتصادی حداکثر بر ایران می‌تواند منجر به تضعیف چشمگیر اقتصاد ایران، بی‌ثبات کردن نهادهای دولتی و ایجاد ناآرامی‌های داخلی در کشور ۸۰ میلیون نفری ایران شود. ایران همچنین ممکن است به طور فزاینده‌ای در پاسخ به فشار ایالات متحده و قدم‌های تهاجمی تری در مورد سیاست داخلی و منطقه‌ای خود بردارد.

اتحادیه اروپا و کشورهای عضو باید در برابر تلاش‌های ایالات متحده با هدف محدود کردن فضای تعامل سیاسی با ایران مقاومت کنند. دولت‌های اروپایی باید موقعیتی معتدل‌تر داشته باشند و راه‌های دیپلماتیک را با ایران، عربستان سعودی و اسرائیل دنبال کنند و برای حل مناقشه اقدامی صورت دهند. دامنه تعاملات آنها با ایران باید فراتر از برجام و مسائل اقتصادی گسترش یابد. این تلاش دیپلماتیک اروپا می‌تواند بر اساس سلسله مذاکراتی باشد که پیش از این در سال ۲۰۱۸ با ایران و به رهبری اتحادیه اروپا، فرانسه، آلمان، انگلیس و ایتالیا برای رسیدگی به پرونده‌های امنیتی منطقه‌ای بحث برانگیز، به ویژه سوریه و یمن، انجام شده بود. هدف اصلی این ابتکار عمل دیپلماتیک اروپا باید توسعه و درک دقیق‌تری نسبت به اهداف منطقه‌ای ایران، خطوط قرمز و مناطقی که امکان پذیرش امتیازات ایران وجود دارد، باشد. با تلاش بیشتر دیپلماتیک، این روند می‌تواند از طریق توافق‌های پیمانی به کاهش خشونت و کاهش اقدامات شدید نظامی در مناطقی که درگیری فعال در آنها جریان دارد، کمک کند. این تلاش اروپایی سرانجام می‌تواند بستری برای تسهیل مذاکرات بین ایالات متحده و ایران در مورد موضوعات منطقه‌ای ایجاد کند.

۳) ایجاد کانال‌هایی برای از بین بردن تنش‌های منطقه‌ای و حمایت از کشورهای ضعیف

کشورهای اروپایی باید با فشار آوردن به بازیگران منطقه، نقش خود را در خاورمیانه تقویت کنند و کمک کنند که درگیری‌های خشونت‌آمیز در یمن و سوریه خاتمه یابد. با این حال از

طریق کوشش‌های سیاسی سطح بالا و حمایت از تلاش‌های دیپلماتیک جندجانبه با همه‌بازیگران منطقه، اتحادیه اروپا و بریتانیا ممکن است بتوانند کانالهایی را برای کاهش خشونت و تنش‌های سیاسی ایجاد کنند.

فرانسه و انگلیس که بیشترین فعالیت را در حمایت از ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی در یمن دارند، می‌توانند اهرم‌های سیاسی بیشتری را برای فشار آوردن به عربستان سعودی به کار گیرند تا اقدامات مهمی را برای سهولت شرایط بشردوستانه و کاهش خشونت از طریق آتش‌بس‌های محلی در بین ائتلاف به رهبری سعودی و نیروهای حوثی انجام دهند. در سوریه، روسیه تنها بازیگری است که به طور فعال با هر سه کشور ایران، اسرائیل و ترکیه ارتباط دارد. با تلفیقی از نیروها، ائتلافی از دولت‌های اروپایی می‌توانند نقش مشابهی را امتحان کنند که از طریق آنها می‌توانند تحولات عمده‌ای را شکل دهند؛ به ویژه با استفاده از کانالهای دیپلماتیک فعال خود با همه‌بازیگران منطقه برای تسهیل دسترسی بیشتر کمک‌های بشردوستانه. هم اسرائیل و هم ایران ممکن است علاقه‌مند به تعامل با اروپا در سوریه باشند؛ به عنوان ابزاری برای برقراری تعادل در روابط با روسیه و همچنین بهبود جایگاه خود با اروپا در مورد سایر مواردی که به دنبال پشتیبانی هستند، به عنوان مثال برای اسرائیل در پرونده فلسطین، و برای ایران در برجام و کمک‌های احتمالی در بازسازی در سوریه پس از درگیری.

دولت‌های اروپایی همچنین باید به دنبال محافظت از کشورهای کوچکتر در منطقه در برابر جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای سایرین باشند. در مورد لبنان، بازیگران اروپایی می‌توانند از طریق حمایت اقتصادی و اقدامات تقویت‌کننده بیشتر برای حفظ و احتمالاً در نهایت استفاده از موقعیت نسبتاً متعادل خود، برای جلوگیری از تقابل منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی استفاده کنند.

نتیجه‌گیری

خاورمیانه، منطقه‌ای بی‌ثبات است که با چالش‌های گسترده‌ای روبرو شده است. بی‌اعتمادی و سوءظن‌های متقابل دولتهای منطقه در مورد یکدیگر باعث بی‌ثباتی در منطقه می‌شود. در حالی که موقعیت استراتژیک و غنای انرژی منطقه عامل مهمی در جذب قدرتهای خارجی برای گسترش نفوذ خود در منطقه بوده است. رقابت‌های منطقه‌ای با حمایت مستقیم دولت‌ها یا نزدیکان آنها توسط قدرتهای خارجی تشدید شده است. در همین راستا پرونده سوریه بهترین نمونه برای نشان دادن درگیری دولت‌های منطقه‌ای و همچنین برون منطقه‌ای و پیامدهای چنین درگیری

ها برای صلح و ثبات منطقه ای و جهانی است. بی‌ثباتی ذاتی ناشی از درگیری‌های قومی، قبیله‌ای و فرقه‌ای و رقابت استراتژیک بین قدرتهای منطقه‌ای و خارج از منطقه از جمله روسیه و آمریکا، خاورمیانه را به یک منطقه بی‌دفاع تبدیل می‌کند. کشورهای اروپایی به رغم واقع‌بینی بیشتری که نسبت به سیاست‌های دولت ترامپ در خاورمیانه دارند تا کنون به دلیل وابستگی‌های ساختاری نتوانسته‌اند در مسایل کلیدی و مهم خاورمیانه نقش مؤثری ایفا کنند. از این منظر آنچه که دارای اهمیت می‌باشد این است که مسایل جهانی از طریق یک‌چانه‌گرایی قابل حل نیست. در نهایت در پاسخ به این پرسش که تأثیرات رقابت ژئوپلتیک ایران و عربستان بر کشورهای اروپایی چیست و اینکه اتحادیه اروپا چگونه می‌تواند در فرآیند ثبات و امنیت خاورمیانه نقش آفرینی کند، از یک سو مستلزم شناخت ماهیت مسایل و بحران‌های خاورمیانه و عوامل مؤثر و دخیل در آنها و از سوی دیگر شناخت تحولات این منطقه است. اتحادیه اروپا لازم است این برداشت خود را که خاورمیانه بخشی از حوزه نفوذ آمریکاست، تغییر دهد. در واقع شرایط جدید منطقه‌ای و جهانی، اتحادیه اروپا را ملزم می‌سازد رهیافتی جدید نسبت به خاورمیانه در راستای راهبردهای کلی خود در سراسر جهان در پیش گیرد. اتحادیه اروپا ضرورت دارد فرصت‌های جدید در منطقه را که ناشی از تغییر در ترتیبات و شرایط بین‌المللی و تحولات گسترده سیاسی در سطح منطقه خاورمیانه است، درک کند. اروپا باید دستور کار خود را در منطقه که لزوماً در تضاد با منافع آمریکا نیست، تعقیب کند و به گونه‌ای مستقل و با توجه شایسته به هدف خود برای تبدیل به یک بازیگر عمده بین‌المللی عمل کند. تجربیات گذشته کشورهای اروپایی در روابطشان با خاورمیانه به آنها کمک خواهد کرد که به اهداف مشترکشان در منطقه جامعه عمل ببوشانند.

منابع

الف) منابع فارسی

واعظی، محمود (۱۳۹۵). «اروپا و مساله امنیت در خاورمیانه»، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۱.

ب) منابع انگلیسی

Batmanghelidj, E.2018. "How Europe Can Block Trump", in Foreign Policy, 16 May 2018, <http://bit.ly/2KsZ6HV>. 27 *European External Action Service*, Remarks by HR/VP Mogherini following a Ministerial meeting of E3/EU+2 and Iran, Brussels, 24 September 2018, <https://europa.eu/!pT48RP>.

Bayoumy, Yara. 2018. Jonathan Landay and Warren Strobel, "Trump Seeks to Revive 'Arab NATO' to Confront Iran", in Reuters, 27 July 2018, <https://reut.rs/2OoO7C7>. Also see: Hassan Ahmadian, "Why Iran Isn't Concerned over US Plans for Arab Nato", in *Al-Monitor*, 9 August 2018, <http://almon.co/33cq>.

Chmaytelli, Maher.2017. "Iraq Says Will Stay Clear of U.S.-Iran Tensions", in *Reuters*, 11 February 2017, <http://reut.rs/2lulqJ0>.

Cohen, Saul Bernard (2003). quoted in Hensel and Paul F. Diehl, "Testing Empirical Propositions about Shatterbelts, 1945-1976", from: www.paulhensel.org/Research/pgq94.pdf.

Cohen, Saul Bernard (2003). *Geopolitics of the World System*, Maryland, Rowman and Littlefield, 2003, p. 328.

Cohen, Saun Bernard (2009). *Geopolitics: The Geography of International Relations*, Maryland, Rowman and Littlefield, 2009, p. 362.

Declan, Walsh 2018. "Qatar Restores Full Relations with Iran, Deepening Gulf Feud", in *The New York Times*, 24 August 2017, <https://nyti.ms/2vtkGnE>.

Entous, Adam (2018). "Israeli, Saudi, and Emirati Officials Privately Pushed for Trump to Strike a 'Grand Bargain' with Putin", in *The New Yorker Times*, 9 July 2018, <https://www.newyorker.com/news/news-desk/israeli-saudi-and-emirati-officials-privately-pushed-for-trump-to-strike-agrand-bargain-with-putin>.

Factbox.2018. "Factbox: European Companies Respond to Latest Iran Sanctions", in *Reuters*, 8 August 2018, <https://reut.rs/2vScPCG>.

Firas, Maksad and Kenneth M. Pollak.2018. "How Saudi Arabia Is Stepping Up in Iraq", in *Foreign Affairs* Snapshots, 21 August 2017, from: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2017-08->

Fitch, Asa. 2018. "Iran's Spending on Foreign Conflicts Raises Protesters' Ire", in *The Wall Street Journal*, 2 January 2018, <https://www.wsj.com/articles/irans-spending-on-foreign-proxies-raises-protestersire-1514920398>.

Geoffrey, Kemp and Robert Harkavy (2017). Strategic Geography and the Changing Middle East: Strategic Access to Middle East Resources: Lesson from History, from: https://acc.teachmideast.org/texts.php?module_id=4&reading_id=202&sequence.

Ghobashy, Tamer and Mustafa Salim 2018. "U.S. Sanctions on Iran Hit an Unintended Target: Ordinary Iraqis", in *The Washington Post*, 14 August 2018, from: <https://wapo.st/2B6NFps>.

Hensel, Paul. and Paul F. Diehl (1994). Testing Empirical Propositions about Shatterbelts, 1945-1976, *Political Geography*, Vol. 13, No. 1 pp. 33-51.

Hubbard, B. 2018 "Saudi Crown Prince Likens Iran's Supreme Leader to Hitler", in *The New York Times*, 15 March 2018, <https://nyti.ms/2FJmA9N>.

Ignatius, David .2017. "Saudi Arabia Forcibly Detained Lebanon's Prime Minister, Sources Say", in *The Washington Post*, 10 November 2017, <http://wapo.st/2zxIPzt>.

Jeremy Bob, Yonah .2018 "Ex Mossad Official: Israel, U.S., Saudis Can Help Regime Change in Iran", in *Jerusalem Post*, 15 May 2018, <https://www.jpost.com/Middle-East/Ex-Mossadofficial-Israel-US-Saudis-can-contribute-to-change-in-Iran-556502>.

Karami, Arash .2016. "Iranian Officials Blame Aleppo Cease-fire Violations for Military Casualties", in *Al-Monitor*, 10 May 2016, <http://almon.co/2nox>.

Khraiche, Dana.2018. "Iran-backed Forces Retreat from Golan, Jordan Border, Group Says", in Bloomberg, 21 June 2018, from: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2018-06-21/iran-backed-forces-retreatfrom-golan-jordan-border-group-says>.

Michael, Elleman and Mark Fitzpatrick.2018. "Are Iran's Ballistic Missiles Designed to Be Nuclear Capable?", in *IJSS Analysis*, 28 February 2018, from: <https://www.ijss.org/blogs/analysis/2018/02/iran-missiles-nuclear-capable>.

Morris, Loveday, Ruth Eglash and Louisa Loveluck 2018. "Israel Launches Massive Military Strike against Iranian Targets in Syria", in *The Washington Post*, 10 May 2018, <https://wapo.st/2rydp67>.

Mughrabi, Nidal and Jeffrey Heller, 2018. "Israeli Forces Kill Dozens in Gaza as U.S. Embassy Opens in Jerusalem", in *Reuters*, 14 May 2018, from: <https://reut.rs/2rJmEQW>.

Raya Jalabi, "Iran Seen as Winner After Iraq's Kurds Lose Referendum Gamble", in *Reuters*, 31 October 2017, <https://reut.rs/2zmsONr>.

Reuters .2016. "Regional Rival Iran Expresses Support for Turkey over Coup Attempt", in *Reuters*, 16 July 2016, <http://reut.rs/2a0DYIJ>.

Reuters, 11 August 2018, <https://reut.rs/2B1vth1>; Nicholas Cappuccino, "Baluch Insurgents in Iran", in *The Iran Primer*, 5 April 2017, from: <https://iranprimer.usip.org/node/3931>.

Reuters.2017. "Iraqi-Shiite Leader Sadr Makes Rare Visit to Saudi Arabia", in *Reuters*, 30 July 2017, from: <http://reut.rs/2tPxXXQ>.

UN Final Report 2018. Off-the-record interviews with European and US officials, January–June 2018. *UN Security Council, Final Report* of the Panel of Experts on Yemen, 26 January 2018, from: <http://undocs.org/S/2018/594>.

Vakil, Sanam .2018. "Iran and the GCC. Hedging Pragmatism and Opportunism", in *Chatham House Research Papers*, September 2018, <https://www.chathamhouse.org/node/37521>; Bozorgmehr Sharafedin, "Iran Urges Gulf

States to 'Seize the Opportunity' of Rouhani", in Reuters, 14 February 2017, <http://reut.rs/2kNOp92>.

Yaalon, Moshe and Leeche Friedman. 2018. "Israel and the Arab States", in *Foreign Affairs* Snapshots, 26 January 2018, <https://www.foreignaffairs.com/articles/israel/2018-01-26/israel-and-arab-states>;

Jonathan Marcus, "Israel and Saudi Arabia: The Relationship Emerging into the Open", in BBC, 3 April 2018, from: <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-43632905>.

Ziabari, K and Hashemi N (2019). "The Cold War between Iran and the Arab World", *Fair Observer*, 25 January. Available at: https://www.fairobserver.com/region/middle_east_north_africa/iranian-arab-relations-iran-arab-world-news-middle-east-politics-saudi-arabia-28031/ (accessed 24 May 2019).